

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار - شماره ۵۶ و ۵۷
Shahrnegar - No.56 & 57

۱۶۷-۱۷۴

معرفی کتاب

دائن جلالی*

مقدمه

هاله روستایی - شهری سرحد نهایی برنامه‌ریزی^۱ نام گرفته است، ناحیه‌ای که در خلأ میان شهر و روستا رها شده و نیازمند توجه فوری از سوی سیاست‌گذاران است. هاله اغلب به‌عنوان ناحیه‌ای بی‌ارزش تلقی می‌شود که تنها برای مکان‌گزینی تصفیه‌خانه فاضلاب و دیگر کاربری‌های لازم اما نامطلوب، مناسب دانسته شده است. در عین حال ناحیه‌ای پویاست که در آن مجموعه‌ای از کاربری‌های شهری شامل مراکز خرید بزرگ، دفاتر تسهیلات پرکردن اوقات فراغت با کاربری‌های روستایی مانند کشاورزی و جنگلداری و مناطق حفاظت شده با یکدیگر برخورد کرده و درآمیخته‌اند. هم‌اینک مناظره سیاسی بر سر هاله^۲ چرخه تاریخی کاملی را طی کرده است. نخست در دهه ۱۹۷۰ بود که بحث بر سر هاله و به‌ویژه وضع ناگوار کشاورزی بر کناره شهرها بالا گرفت. اینک هاله بار دیگر به موضوع باب روز بدل شده است. مجادله بر سر آینده هاله روستایی - شهری به‌عنوان مبحثی که معادل آن را در هر کجا از جهان می‌توان سراغ گرفت سه گزینه روشن را پیش‌رو قرار می‌دهد:



نام کتاب: برنامه‌ریزی بر لبه^۱: زمینه‌ای برای
برنامه‌ریزی در هاله روستایی - شهری^۲
نویسندگان: نیک گالنت^۳، یوهان اندرسن^۴، مارکو
بیانکونی^۵

ناشر: انتشارات راتلج^۶

تاریخ انتشار: ۲۰۰۶ میلادی

تعداد صفحات: ۲۳۲ صفحه

۱. کاری انجام نگیرد و همچنان این تصور پیگیری شود که هاله ظرفیتی نامحدود برای جذب فضولات دنیای مدرن دارد؛

۲. هاله و فرایندهایی که این چشم‌انداز را تاکنون ساخته و همچنان می‌سازد، به درستی فهمیده شود و هرگونه اقدامی بر مبنای همین فرایندها انجام شود، به گونه‌ای که کیفیت‌های بهتر آن بهبود یابد و آنهایی که پایداری توسعه در آینده را تهدید می‌کند، مهار شود؛

۳. تغییر هاله و پوشاندن آن با تصویری متفاوت در دستور کار قرار گیرد و فرایندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که تاکنون به این چشم‌انداز شکل داده است، کنار گذاشته شود. به عبارت دیگر، اینها با فرایندهایی قابل کنترل تر و با برنامه‌ریزی مرسوم تعویض شده و در نهایت حلقه‌ای از چمنزارها جایگزین آن شود که دروازه‌ای به درون شهر دارد و پلی نیز به سمت نواحی روستایی اطراف.

اینکه کدام گزینه را می‌بایست برگزید، پرسشی است که کتاب حاضر در پی پاسخ به آن برآمده است. **برنامه‌ریزی بر لبه: زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی در هاله روستایی - شهری**، برداشتی است از پژوهشی که میان سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ انجام شده است، یعنی هنگامی که گروهی از پژوهشگران کالج دانشگاهی لندن^۶ انتخاب شدند تا آینده برنامه‌ریزی و مدیریت کاربری زمین بر هاله روستایی-شهری را بررسی کنند.

هدف قانونی کتاب آن است تا با بررسی ریزبینانه هاله به عنوان زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی، شکاف مهمی را که در نوشتگان برنامه‌ریزی کاربری زمین و برنامه‌ریزی فضایی وجود دارد، پر کند. و در این راه خرد حاکم بر عمل طراحی مفرط چشم‌اندازها^{۱۰} را به چالش کشیده و چنین استدلال می‌کند که هاله بخشی یکپارچه و جدایی‌ناپذیر از نظام شهری بوده و محصول فرایندهایی است که بخش اعظم آنها خودبه‌خودی است. باید اضافه کرد که بسیاری از تحلیل‌ها بر انگلستان متمرکز است، با این وجود نویسندگان کوشش کرده‌اند تا اصول عمومی و ایده‌هایی را که در مناطق هاله شهرها در سراسر جهان به کاربردن است، بیرون بکشند.

بررسی کتاب

فصل‌های کتاب در سه بخش سامان یافته‌اند که البته نام مشخصی برای بخش‌ها در نظر گرفته نشده است اما فصول تشکیل‌دهنده هر یک درونمایه‌ای یکسان داشته و به صورت گام‌به‌گام خواننده را با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌سازند. خلاصه مباحث هر بخش به قرار زیر است:

■ بخش نخست کتاب که در قالب دو فصل سامان یافته در پی پاسخ به دو مسئله است، نخست آنکه هاله روستایی-شهری چیست؟ نویسندگان برای این منظور با بررسی تعاریف ارائه شده از هاله به نکات مغفول در آنها می‌پردازند که بیانگر تغییر نگاهی است که برای فهم هاله لازم است. همچنین ایشان مفهوم چندکارکردی^{۱۱} را از رشته‌هایی چون اقتصاد، کشاورزی و برنامه‌ریزی چشم‌انداز به عاریت می‌گیرند تا هم پایگاهی نظری را برای تدوین رویکردی که برنامه‌ریزی می‌بایست در برخورد با هاله پی بگیرد، برگزینند و هم ساختار بخش دوم کتاب را شکل دهند. بدین ترتیب نویسندگان نشان می‌دهند که نگاه مرسوم به هاله چگونه در برنامه‌ریزی متداول کاربری زمین منعکس شده و توسعه هاله‌های شهری را به شکل کنونی آن راهبر شده است.

■ ساختار بخش دوم کتاب همان گونه که گفته شد بر مبنای اصطلاح چندکارکردی و به طور مشخص از کار برنت^{۱۲} و همکارانش (۲۰۰۰) با عنوان **چشم‌اندازهای چندکارکردی: رویکردهای میان‌رشته‌ای به مدیریت چشم‌انداز و پژوهش در خصوص آن**^{۱۳} برگرفته شده است. بر این مبنا بخش دوم به پنج فصل تقسیم شده است که در پی درک و دریافتی متوالی از هاله تاریخی (فصل سوم)، هاله زیباشناختی (فصل چهارم)، هاله اقتصادی (فصل پنجم)، هاله اجتماعی-فرهنگی (فصل ششم) و هاله بوم‌شناختی (فصل هفتم) می‌باشد. در حقیقت فصول کتاب در این بخش بازتاب گوناگونی کاربری‌های زمین و فعالیت‌هایی است که در هاله یافت می‌شود. خط اصلی بحث کتاب در بخش دوم این است که هاله روستایی-شهری چیزی بیش از مجموع بخش‌های تشکیل‌دهنده آن است: هاله

روشنی که این چشم‌انداز بارها و بارها در قالب نوشتگان برنامه‌ریزی و حتی از طریق رسانه‌ها به نمایش گذاشته شده است، نمونه‌ای یکتا است. هاله صرفاً گسترش شهرک به درون ناحیه روستایی، یا نوعی وقفه کوتاه در جریان یورش شهر به درون نواحی روستایی نیست، بلکه زمینی است بین نواحی شهری و روستایی که ویژگی‌های یکتا و مختص خود را دارد. برخی از این ویژگی‌ها در فصل حاضر جمع‌بندی شده است. اما فصل نخست نقشی بیش از مقدمه را برای کتاب ایفا می‌نماید و با اختیار مفهوم چندکارکردی به عنوان رویکردی برای برخورد با موضوع هاله پایگاه نظری خود را تشریح می‌کند. این مفهوم با اقداماتی مترادف شده است که از تقسیم‌بندی کاربری‌ها یا راه‌حل‌های ساده‌ای که برنامه‌ریزی کاربری زمین ارائه می‌دهد، پرهیز می‌کند. مطابق آنچه که خود نویسندگان می‌گویند، ایشان این اصطلاح را به‌عنوان ابزاری برای درک نقش بالقوه برنامه‌ریزی در هاله روستایی-شهری به کار برده‌اند. می‌توان این مفهوم را کامل‌کننده بحث توسعه مختلط کاربری‌ها با تراکم بالا^{۱۶} دانست. بدین ترتیب در نواحی با تراکم جمعیتی بالا با اتخاذ رویکرد چندکارکردی در برنامه‌ریزی، کارکردهای مختلف اجتماعی-اقتصادی را با یکدیگر ترکیب می‌کنند تا فضای محدودی را که در اختیار دارند، حفظ کرده و از همکاری اقتصادی حداکثر بهره را ببرند. از نظر نویسندگان، هاله به‌عنوان عرصه‌ای که نیازمند تغییر رویکرد در برنامه‌ریزی آن است، قابلیت‌های بالایی را برای به‌کارگیری چنین رهیافتی دارد.

فصل دوم: ساخت هاله‌های روستایی-شهری انگلیسی

امروزه توافق جمعی رو به رشدی بر سر این نکته وجود دارد که هاله ناحیه‌ای است با توانمندی‌ها و امکانات دست‌نخورده که پویایی‌های غیرقابل کنترل آن را می‌توان مهار نمود و چشم‌اندازی چندکارکردی از آن ساخت تا مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را محقق سازد. اما در این میان دغدغه این مسئله وجود دارد که نه توان برنامه‌ریزی بلکه بی‌عنایتی به آن، چیزی متفاوت بر کناره شهرها و

صرفاً جورجینی از کاربری‌های مشخص، یا منطقه در حال گذار نیست، بلکه چشم‌اندازی دارای کارکرد و با ویژگی‌های خاص خود است. جنبه دوم اهمیت آن در این است که به پویایی پیچیده نواحی هاله‌ای اشاره دارد. اینک مسلم شده است که برنامه‌ریزی که در گذشته بر کناره‌های شهرها صورت گرفته نسبت به پیچیدگی آن بی‌عنایت بوده و صرفاً مهار رشد را به‌عنوان راه‌حل برگزیده و چشم خود را بر نواحی هاله‌ای بسته است. به طور خلاصه بهتر است گفته شود که برنامه‌ریزی بر هاله - در شکل کمربند سبز^{۱۴} و راهبردهای گسترده‌تر مهاررشد- برای هاله نیست.

در بخش سوم و پایانی توجه نویسندگان کتاب به مواردی چون گذشته و آینده سیاست و عمل برنامه‌ریزی، تضاد برنامه‌ریزی کاربری زمین و راهبردهای مهار رشد با الگوی در حال ظهور برنامه‌ریزی فضایی که در عین حال راهبردی‌تر است و نوید برنامه‌ریزی یکپارچه‌تری را در سده پیش رو می‌دهد، معطوف است. هر چند که کتاب تنها به شیوه برنامه‌ریزی هاله نمی‌پردازد بلکه به این مسئله توجه دارد که هاله روستایی-شهری اساساً به چه میزانی از برنامه‌ریزی و مداخله کالبدی نیازمند است. بسیاری از قابلیت‌های زیباشناختی، بوم‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی- که در بخش دوم کتاب برای هاله برشمرده شده، محصول نادیده‌انگاری برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران است. درواقع هاله چشم‌اندازی ارگانیک است که فاقد سازماندهی خشک فضایی بسیاری از نواحی شهری است. از این رو، این بخش گام به‌گام در پی رسیدن به پاسخ این پرسش است که آیا تغییر مسیر به سوی برنامه‌ریزی رسمی^{۱۵} در هاله‌ها راه‌حلی درست برای چنین چشم‌اندازی است.

فصل اول: مقدمه

این فصل به عنوان مقدمه‌ای بر فصول دیگر کتاب در پی ارائه درکی متفاوت از چشم‌اندازی با عنوان هاله روستایی-شهری است. هاله روستایی-شهری به‌واسطه آمیختگی کاربری‌هایش، ویژگی‌های چشم‌انداز آن و

شهرک‌ها انجام دهد. بی‌توجهی‌ای که حتی در نوشتگان برنامه‌ریزی نیز به چشم می‌خورد. حقیقت آن است که نوشتگان محدودی به طور مشخص به هاله روستایی-شهری انگلیسی اختصاص یافته و نویسندگان اندکی ویژگی‌های یکتای آن را یادآور شده‌اند. غالب نویسندگان که به هاله پرداخته‌اند، بدان به‌عنوان چشم‌اندازی در حال گذار که مشخص‌کننده مرز مبهم میان شهر و روستاست، نگریسته‌اند. اینان بر اینکه چگونه هاله از طریق گسترش شهری، خلق پارک‌های با نظم و ترتیب، یا گسترش کشاورزی شهری به چیزی دیگر دگرگون شود، متمرکز شده‌اند.

بر این مینا نویسندگان در این فصل دو هدف کلیدی را پی گرفته‌اند: هدف اصلی، بحث درخصوص این موضوع است که نادیده‌انگاری هاله‌ها که به آن اشاره شد، به شکل تناقض‌آمیزی، همان فرایند کلیدی است که منجر به ساخت این چشم‌اندازها شده است و در نتیجه برنامه‌ریزی چنین چشم‌اندازی که تاکنون برنامه‌ریزی نشده است، مسیر توسعه آن را در آینده از بنیاد تغییر خواهد داد. دومین هدف استدلال در این خصوص است که هاله‌ها چشم‌اندازی یکتا با ویژگی‌های بسیار منحصر به فرد هستند و صرفاً نواحی خاکستری میان شهرها و روستاها نمی‌باشند.

فصل سوم: هاله‌ای تاریخی

تمامی چشم‌اندازها پیوندهایی تاریخی دارند که این مسئله ممکن است به صورتی پوشیده یا آشکار بیان شود. مردم به سوی این چشم‌اندازهای تاریخی کشیده می‌شوند و بسیاری از این مکان‌ها فشار بالایی بازدیدکنندگان را متحمل می‌شوند و جزئی از راهبردهای بازاریابی مکان‌ها^{۱۷} در سطح ملی و حتی جهانی محسوب می‌شوند. پرسش این است که چه تعدادی از مردم به کناره‌های شهر کشیده می‌شوند. البته ساختگاه‌های کلیدی را می‌توان در کناره بسیاری از شهرها یافت اما این‌ها چشم‌اندازهای نامحسوس هاله‌های روستایی-شهری نیستند که در آنها تاریخ نمی‌تواند حضور خود را اعلام کند بلکه اغلب در مجموعه متنوع توسعه‌های دوباره گره خورده‌اند یا آنکه حتی خود نقشی جدید در این فرایند یافته‌اند.

نویسندگان در این فصل نشان می‌دهند که هاله روستایی-شهری چشم‌اندازی تاریخی است و در بیشتر مواقع حاصل نوسان توسعه صنعتی، کشاورزی یا نظامی بر کناره بسیاری از شهرها بوده است. بسیاری از جنبه‌های محیط تاریخی که امروزه در حاشیه یافت می‌شود، محصول مواردی چند می‌تواند باشد. می‌تواند محصول موجودیت روستایی ابتدایی خود باشد یا از تاریخ گذشته خود به‌عنوان مکان فعالیت‌های صنعتی و خدماتی که با رشد مرکز شهری‌ای مرتبط است که هم اینک آن را فرا گرفته و بدان خدمات‌رسانی می‌کند، نشأت گرفته باشد. ایشان همچنین استدلال می‌کنند که هاله میزبان میراث تاریخی و باستان‌شناختی توانمند و گوناگونی بوده که هیچگاه به طور تمام و کمال قدر و ارزش آن شناخته نشده است. از دید آنها توانمندی هاله در هر بخشی از آن که باشد چه پیش از خط توسعه شهری و چه پس از آن- از حیث میراث تاریخی به اندازه‌ای است که می‌بایست حفظ و برجسته شود و قدرت پیوندهای تاریخی آن به اندازه‌ای است که نمی‌توان در هیچ گونه‌ای از برنامه‌ریزی یا مدیریت کناره‌های شهر آن را نادیده گرفت.

فصل چهارم: هاله‌ای زیباشناسانه

زیباشناسی هاله روستایی-شهری مضمونی است که نویسندگان در فصول پیشین کتاب چندین بار بدان اشاره کرده‌اند. اما این فصل اساساً به زیباشناسی هاله اختصاص یافته است، واژه‌ای که ارتباطی مکرر با هنرهای زیبا می‌یابد اما به طور گسترده‌تری به‌عنوان حوزه‌ای از فلسفه تعریف شده است که به قدرشناسی انسان‌ها از چیزها به نسبتی که احساسات‌شان را به طور رضایت‌بخشی تحت تأثیر قرار می‌دهد، مرتبط است. قصد ایشان آن بوده تا هر چه بیشتر در زیبایی‌شناسی چشم‌انداز کندوکاو کنند به طوری که نه تنها به نمود کالبدی آن بلکه به انگاره‌های فرهنگی و بازنمایی‌های هاله روستایی-شهری در رسانه و فیلم و در روان جمعی حاکم بر عموم نیز پرداخته‌اند. به عبارت دیگر دغدغه کانونی این فصل زیبایی‌های هاله در مفهوم وسیع آن، هم در معنای کالبدی و هم در بازنمایی فرهنگی چشم‌اندازش است. هرچند فصل با

ارائه یک بازبینی گسترده از کاربری زمین‌ها و کالبدی بودن چشم‌انداز هاله روستایی. شهری آغاز می‌گردد، اما به تدریج بر بازنمایی و ادراک چشم‌انداز هاله متمرکز می‌شود. هاله بارها و بارها به‌عنوان چشم‌اندازی زشت، آلوده یا بی‌نام و نشان تصویر شده است و چنین بازنمایی‌هایی، ادراک جمعی از آن را شکل داده است. به چالش کشیدن برخی از این برداشت‌های کلیشه‌ای و تلاش برای توضیح اینکه چرا هرگز رفتار منصفانه‌ای نسبت به حاشیه نشده است، هدف اصلی این فصل را تشکیل می‌دهد.

فصل پنجم: هاله‌ای اقتصادی

بسیاری از هاله‌های روستایی. شهری پسا صنعتی دستخوش فرایند گذاری بوده‌اند که از تولید تا ایجاد مازاد^{۱۸} و در نهایت مصرف امتداد دارد. عصر تولید با انقلاب صنعتی آغاز می‌شود که با شاهد رشد صنایع در مجاورت شهرهای موجود یا نظاره‌گر رویدن شهرها در نزدیکی صنایع استخراج معدن بوده که موجبات گسترش اقتصاد بریتانیا در اواخر قرن هجدهم و اوایل سده نوزدهم را فراهم آورده است. تغییر مسیرهای بعدی اقتصاد از اواخر سده نوزدهم بدین سو ظاهر می‌شود و طی آن رشد رقابت بین‌المللی و تمایز گذاری اقتصادی^{۱۹} (عنصر سازنده اساسی جهانی‌شدن) بسیاری از صنایع بریتانیا از جمله زغال‌سنگ، فولاد و شکل‌های مختلف صنایع سنگین را تحت فشار شدید قرار می‌دهد. بر این اساس دوران‌های پیش از جنگ و نخستین سال‌های پس از جنگ با رها ساختن ساختگاه‌های صنعتی در هاله بسیاری از شهرها مشخص می‌شود. اما فرایندهای دیگری نیز در دوران پس از جنگ در کار پراکندن بذر فرصت‌های جدید اقتصادی در هاله‌های روستایی. شهری بوده‌اند؛ فرایندهایی چون ایجاد کمربند‌های سبز، سرریز جمعیتی به شهرهای اقماری و گسترش شبکه راه‌های برون شهری. این فرصت‌ها از دهه ۱۹۶۰ بدین سو نخست با مکان‌گزینی دوباره صنایع سبک در هاله‌ها و در نهایت از طریق جای گرفتن مقدار متناهی از کاربری‌هایی چون دفاتر اداری، انبارها، مراکز توزیع کالا و خرده‌فروشی تحقق یافت. ذکر این مطلب ضروری است که در سراسر این دوران دگرگونی، کشاورزی

موقعیت خود را در هاله حفظ کرده است. شرح این تغییر مسیرهای اقتصادی در حاشیه کانون توجه نویسندگان در فصل پنجم بوده و ایشان در عین حالی که بر تغییرات اخیرتر (پایان سده بیستم) متمرکز شده‌اند، برخی از دغدغه‌های تازه را که تاکنون بدان‌ها پرداخته نشده، معرفی کرده‌اند؛ از جمله جایگاه کشاورزی در هاله و تداوم بعضی از صنایع استخراج معدن. برای تکمیل مباحث و به‌منظور ساخت تصویری تمام و کمال از هاله‌ها در این فصل بر کارکرد اقتصادی هاله و آینده پایه اقتصادی متنوع آن متمرکز شده‌اند.

فصل ششم: هاله‌ای اجتماعی - فرهنگی

از جمله دیدگاه‌هایی که در خصوص هاله روستایی. شهری وجود دارد، نظرگاهی است که آن را چشم‌اندازی بدون اجتماع محلی^{۲۰} می‌شناسد. هر چند مثال‌های نقض مختلفی می‌توان برای رد این مطلب ارائه نمود اما این مسئله حقیقت دارد که ویژگی‌های هاله. به‌عنوان چشم‌اندازی کارکردی که از مراتع غیرمصنوع و غیرمسکون که توسط راه‌های اصلی (تکه‌تکه) شده و توسعه کم تراکم انبارها و خدمات اساسی پراکنده در آن سطح آن را متخلخل کرده است. می‌تواند آن را تبدیل به فضایی نامطلوب برای زندگی نماید. با این وجود، عدم تشکیل چشم‌انداز مسکونی در حکم نبود چشم‌انداز اجتماعی. فرهنگی نیست. در واقع مفهوم چشم‌انداز اجتماعی. فرهنگی نمی‌بایست با ایده چشم‌انداز مسکونی خلط شود. بخش اعظمی از حاشیه ممکن است چشم‌اندازی باشد بدون اجتماعات محلی ساکن اما در عین حال اجتماعی از استفاده‌کنندگان داشته باشد، مردمی که با اهداف مختلفی که در ذهن دارند، هاله روستایی. شهری را برای تجدید قوا یا انجام تفریحات رسمی یا حتی برای اشتغال تجربه می‌کنند. این فصل سه مسئله، یا سه بُعد را در هاله اجتماعی. فرهنگی بررسی می‌کند. به دلیل وقوع رشد مناطق مسکونی در هاله. به‌ویژه در اطراف قطب‌های ترابری. این فصل با تمرکز بر کیفیت توسعه‌های مسکونی در هاله آغاز شده است. اما کانون اصلی توجه در آن، چگونگی استفاده از هاله برای کاربری‌های غیرمسکونی و غیرشغلی است؛ چگونه مردم هاله را به عنوان محلی

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar
شماره ۵۶ و ۵۷
رویدادهای علمی و اجرایی

برای تجدید قوا، آموزش یا به منظور بازبانی سلامت خویش مورد استفاده قرار می‌دهند. هدف دوم تمرکز بر هاله به عنوان فضایی برای تجدید قوا و کسب تجربه است. این هدف ما را به هدف سوم و پایانی رهنمون می‌شود، یعنی بررسی این مسئله که هاله تا چه اندازه در دسترس کاربران بالقوه آن قرار دارد.

فصل هفتم: هاله‌ای بوم‌شناختی

تا فصل هفتم نویسندگان بارها به توانمندی بوم‌شناختی مشخص موجود در هاله اشاره کرده‌اند: چمنزارهای ساخته نشده که مردم سگ‌هایشان را برای گردش و پیاده‌روی به آنجا می‌برند (نگاه کنید به فصل ۹)، بیشه‌زارها که میدان نبرد برای ورزش گلوله‌های رنگی (پینت بال^{۳۱}) شده است، فرودگاه‌های قدیمی با چندین هکتار فضای باز و ساختمان‌های مخروبه بازممانده از انقلاب صنعتی (نگاه کنید به فصل ۲ و ۵) اینها همگی زمین‌های نامسکون دست‌نخورده و برنامه‌ریزی نشده‌ای هستند که بر گوناگونی بالقوه‌ای در گیاهان و جانوران اشاره دارد. شوارد (۲۰۰۰) هاله را پناهگاهی برای زندگی وحشی دانسته است که از نواحی روستایی ناپذیرا و غیردوستانه در قبال آنها به بیرون رانده شده است. از آنجا که زمین در هاله‌ها قطعه قطعه شده، به حال خود رها گشته و به ندرت بر روی آن به طور فشرده کشاورزی می‌شود، هاله غالباً فراهم کننده میزان متنابهی فضاهای پست و بلند رها شده است. ارزش این چنین چشم‌اندازی، نیاز به فراهم آوردن شکلی از حفاظت از آن و شاید از آن مهمتر مسئله اجتناب از مداخله برنامه‌ریزانه گسترده در هاله است که دغدغه اصلی کتاب را در این فصل تشکیل می‌دهد. هاله بوم‌شناختی که به وسیله شوارد تشریح شد، از نظر برخی از مفسران، جوهره راستین هاله است و می‌توان استدلال نمود که این دیدگاه در خصوص هاله مخالف با تلاش برای تحمیل دست‌مرگ‌آفرین برنامه‌ریز در چیزی است که ویژگی بارز آن آزاد بودنش است. بر این اساس باید گفت که گونه‌ای از برنامه‌ریزی در هاله مورد نیاز است که هدفش پاکیزه ساختن این چشم‌اندازها نبوده بلکه برنامه‌ریزی به هدف فراهم کردن دسترسی و تسهیل آگاهی از ارزش‌های آن است. هاله عرصه‌ای

است از تضاد شدید کاربری‌ها با یکدیگر و به ندرت توافقی بر سر تعادلی که می‌بایست بین نیاز به توسعه و حفاظت برقرار نمود، وجود دارد. این فصل با بررسی تعادل بین توسعه و بوم‌ساخت در هاله آغاز شده و با ملاحظات بیشتری در خصوص نقش برنامه‌ریزی بر کناره‌های شهری به پایان می‌رسد.

فصل هشتم: برنامه‌ریزی کاربری زمین و مهاررشد

این فصل و فصل نهم با یکدیگر پیوند نزدیکی دارند. این فصل الگوی برنامه‌ریزی سنتی کاربری زمین که در هاله روستایی_شهری به کار گرفته شد، و همچنین راهبرد مهار^{۳۲} را که دست‌کم برای پنجاه سال گذشته عنصر اصلی برنامه‌ریزی کناره شهرها بوده است، بررسی می‌کند. راهبرد مهار ریشه در بریتانیا دارد اما در قالب شکل‌های مختلف به بخش‌های مختلف دنیا صادر شده است. بررسی تفصیلی‌ای از راهبرد مهار و کمربندسبز در این فصل مورد استفاده قرار گرفته است تا برخی از مشکلات مرتبط با برنامه‌ریزی کناره شهرها را در گذشته_حداقل در نمونه‌هایی که برنامه‌ریزی انجام شده است_نشان دهد. با این وجود فصل هشتم تماماً معطوف به بازبینی گذشته نیست و افزون بر آن به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه سیاست‌های مهار کنونی می‌تواند به بهبود باززنده‌سازی شهری و بازدارایی از پراکنده‌رویی و ادغام^{۳۳} شهری انجامیده و در عین حال به ابزاری مثبت برای تشویق اشکال سبزتر توسعه در هاله روستایی_شهری تحول یابد. بحث عمده فصل هشتم بر گرد این مسئله مهم است که برنامه‌ریزی در هاله لزوماً برای هاله نبوده است. راهبردهای مهار مانند حفاظت از روستا، ممانعت از ادغام شهری و بهبود باززنده‌سازی درون شهر، همان‌گونه که از عنوان‌شان پیداست با اهدافی طراحی شده‌اند که از نظر فضایی نسبت به هاله برونزا محسوب می‌شوند. بیشتر آنچه که در هاله رخ داده است_چه آشکارا سیاست‌های مهار در موردشان اعمال شده باشد یا نشده باشد_خودبه‌خودی است و برنامه‌ریزی اغلب برای مدیریت تقاضای نابرابر فضا و به روشی خلق‌الساعه (به‌آنی پدید) طلب شده است که در قبال

فشارهای توسعه به شکلی واکنشی عمل می‌کند تا به صورتی مبتکرانه و هدایتگر. هدف اصلی نویسندگان در این فصل آن گونه که خود می‌گویند آن است که این عبارت انتقادی نسبت به وضعیت برنامه‌ریزی در رابطه با هاله را به صورت تحلیلی مستدل‌تر از نقصان برنامه‌ریزی در هاله روستایی_شهری در آورند.

فصل نهم: اصلاح برنامه‌ریزی و دستور کار فضایی

نویسندگان در فصل نهم در مقایسه با فصل پیشین به فرای وضع موجود پیش می‌روند تا به فرصت‌های ویژه‌ای که از اصلاحات برنامه‌ریزی در انگلستان و دستور کار برنامه‌ریزی گسترده‌تر فضایی در اروپا به وجود آمده، نگاهی بیفکنند. همان طور که نویسندگان یادآور شده‌اند، قصدشان در این فصل تهیه الگویی از برنامه‌ریزی در هاله روستایی_شهری نبوده است. ایشان از مبحث هاله‌های چندگانه که در بخش دوم کتاب به تفصیل و در قالب فصل‌های جداگانه بدان پرداخته‌اند، به‌عنوان زمینه‌ای برای فهم اصولی که ممکن است اساس مداخلات سیاسی آینده را تشکیل دهد، بهره گرفته‌اند. پس از مطرح کردن بحث گذار به الگوی برنامه‌ریزی فضایی در بخش نخست این فصل، برنامه اصلاح برنامه‌ریزی در انگلستان که با قانون برنامه‌ریزی و خرید اجباری^{۲۴} سال ۲۰۰۴ شروع شد، مورد بازبینی قرار گرفته و در پایان بحث اقدامات جاری و الگوهایی که ممکن است بر مداخلات سیاسی آینده در هاله روستایی_شهری تأثیرگذار باشد، مطرح شده است.

فصل دهم: جمع‌بندی

نویسندگان در این فصل به سه گزینه‌ای می‌پردازند که در مقدمه این بررسی شرح داده شد. از دید ایشان گزینه نخست خطر بزرگی به‌ویژه در خصوص رشد شهری و پراکنده‌رویی پس از آن در پی دارد. در بریتانیا آینده کمربندهای سبز کانون توجه است و شاید عاقلانه باشد که شهرها خود را برای جایگزین کردن شان آماده کنند. مهارهای قانونی تاکنون این اجازه را به جامعه داده است که به مدت نیم قرن هاله را فراموش کند، اما اگر این مهارها ضعیف شود آنگاه برخی صاحبان

زمین و سرمایه‌گذاران_ یعنی آنهایی که بر سر آینده کمربندهای سبز حاضر به قمار هستند_ تلاش خواهند کرد که از این مسئله سود لازم را ببرند؛ بنابراین این گزینه از اساس مردود است.

از دیگر سو، گزینه سوم نیز با تخلیه مخلوطی از کارکردهای مختلف جای گرفته در هاله، به درون نظام شهری گسترده‌تر خطر بزرگی را به‌همراه دارد. این کار با در نظر گرفتن محدودیت‌های جدیدی برای بسیاری از کارکردهایی که در کناره شهر جایگاه طبیعی خود را یافته‌اند، انجام می‌شود. از نظر نویسندگان در این حالت این پرسش‌ها مطرح هستند که در چشم‌انداز رسمی‌ای که از هاله به شکل یک چمنزار خوش منظر ارائه می‌شود، کودکان خانه‌های چوبی خود را کجا می‌سازند یا کسب‌وکارها ساختمان‌های بدمنظر اما ارزان را برای اجاره در کجا می‌یابند؟ محوطه‌های اوراق‌سازی خودروها به کجا خواهند رفت و فاضلاب در کجا تصفیه خواهد شد؟

پاسخ روشن است، حاشیه بخشی جدانشدنی از شهر است. اگر بخشی از آن پاکسازی شده و ناگزیر به تبعیت از آخرین گرایش‌های باب روز طراحی شهری شود، هاله واقعی به سادگی جابجا خواهد شد و در جایی دیگر ظهور خواهد کرد. در اینجا است که برنامه‌ریزی در لبه شهر باید انتخاب کند: آیا نقش چشم‌انداز هاله را به رسمیت بشناسد یا آن را انکار کند، یا فهم فرایندهایی که هاله را می‌سازد و کارکردن در راستای آن موفقیت را جستجو کند یا به این فرایندها بی‌عنایت باشد و بر خلاف‌شان کار کند؛ و اینها هستند که همگی زمینه برنامه‌ریزی در هاله را تشکیل می‌دهد.

از دید نویسندگان برنامه‌ریزی نیازمند تغییر رویکرد در این زمینه است و خودبه‌خود گزینه‌ای که باقی می‌ماند گزینه دوم است. طبق آن با فهم درست هاله این فرصت وجود خواهد داشت که بتوان چارچوبی بنا نهاد که بر پایه آن کیفیت بهتری از مهارهای قانونی ایجاد شود، مهارهایی که در عین حال گونه‌های مناسبی از توسعه را تشویق می‌کند، با این دید که نفوذپذیری به درون هاله را بهبود داده، اقتصاد را ثبات می‌بخشد و فرصت‌های موجود در هاله را برای ایفای نقشی اجتماعی_ فرهنگی‌تر گسترش می‌دهد.

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار
Shahrnegar
شماره ۵۶ و ۵۷
رویدادهای علمی و اجرایی

۱۷۳

- 8- Fringe
- 9- University College of London (UCL)
- 10- Over- Designing Landscapes
- 11- Multifunctionality
- 12- Brandt
- 13- Multifunctional landscapes: Interdisciplinary Approaches to Landscape Research and Management
- 14- Green Belt
- 15- Formalized Planning
- 16- High-density Mixed-use Development
- 17- Place Marketing
- 18- Redundancy
- 19- Economic Differentiation
- 20- Landscape Without Community
- 21- Paintball
- 22- Strategy of Containment
- 23- Coalescence
- 24- Planning and Compulsory Purchase act

۱- با توجه به درونمایه کتاب، در عنوان این واژه به لبه ترجمه شده است اما در متن از واژه کناره [ها] استفاده شده است. از آنجا که هاله روستایی_ شهری فضایی است که در آن دو گونه کاربری روستایی و شهری با یکدیگر برخورد کرده و در هم می آمیزند و همچنین فضایی است که نه روستا است و نه شهر، از این رو حساسیت بسیاری را در این خصوص می طلبد و در نتیجه همچون لبه تیغی عمل می کند که برنامه ریزان بر روی آن حرکت می کنند. در عین حال این واژه بیش از کناره یا حتی واژه هاله بیانگر حساسیتی است که نویسندگان به عمل برنامه ریزی بر روی این محدوده نسبت می دهند.

2- Planning on The Edge: The Context for Planning at Rural-Urban Fringe

3- Nick Gallent

4- Johan Andersson

5- Marco Bianconi

6- Routledge

7- Planning's Last Frontier

شهرنگار

دوماهنامه شهرنگار

Shahrnegar

شماره ۵۶ و ۵۷

رویدادهای علمی و اجرایی

۱۷۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی